



## از آبان تا آبان

امروز اولین سالگرد خیزش عمومی توده های بجان آمده در ۲۴ آبان ۹۸ است. یکی از گسترده ترین و خونین ترین اعتراضات عمومی در سده اخیر تاریخ ایران. رژیم جمهوری اسلامی تاکنون از اعلام تعداد جانباختگان و زخمی ها و نیز آن تعداد که دستگیر شده اند و یا مفقودالثر هستند، خودداری کرده است اما طبق گزارش خبرگزاریها تاکنون « سازمان عفو بین الملل » مشخصات ۳۰۴ جان باخته را منتشر کرده است. «خبرگزاری فرانسه» ۷۵۰ تصویر و ویدیوی تیراندازی نیروهای امنیتی را بررسی کرده و « خبرگزاری رویترز » به نقل از منابع آگاه تعداد قربانیان وقایع آبان ۱۳۹۸ را ۱۵۰۰ نفر اعلام کرده است. منابع رسمی جمهوری اسلامی نیز کشته شدن ۲۰۰ تا ۲۲۵ نفر را به طور تلویحی تایید کرده اند.»

ادامه در صفحه ۲

بیانیه مشترک

به مناسبت سالروز ۲۵ نوامبر  
«روز جهانی منع خشونت علیه زنان»  
صفحه ۶



### سرنگونی رژیم. در گرو همبستگی و اتحاد عمل!

ایران کشوری است چند ملیتی که در آن، ملت های مختلف که هر کدام دارای سرزمین خاص خود می باشد، در مجاورت یکدیگر، زندگی می کنند. در این کشور اسیر در چنگ رژیم جمهوری اسلامی، انواع ستمدیدیگی ها وجود دارد که یکی از آن ها همانا ستم دیر پای ملی می باشد که بیش از نصف اهالی کشور، از آن رنج می برند. این واقعیت تلخ که سلطه رژیم جمهوری اسلامی با وجود چهل و دو سال مبارزات خونین توده های زحمتکش ایران ، به دلایلی همچنان باقی مانده است،

صفحه ۹

نکاتی چند در مورد برنامه  
سازمان اتحاد فدائیان  
کمونیست  
صفحه ۱۱

گرامی باد یکصد و سومین  
سالگرد انقلاب کبیر  
سوسیالیستی اکتبر  
صفحه ۱۴

### به مناسبت ۲۵ نوامبر. روز جهانی مبارزه با خشونت علیه زنان

قریب به ۶۰ سال پیش در چنین روزی، ۲۵ نوامبر؛ سه فعال مبارز در جمهوری دومینیک به نام های خواهران میرابل بر علیه استبداد حاکم؛ رافائل تروخیلو بعد از اسارت در زندان و تحمل شکنجه ها بوسیله سازمان امنیت حاکم ترور شدند و این روز یعنی ۲۵ نوامبر بعد از گذشت حدود بیست سال توسط گروهی از فمینیست های آمریکای لاتین، روز بزرگداشت علیه خشونت و آزار بر ضد زنان نامگذاری شد.

صفحه ۴

رفراندوم روز یکشنبه ۲۵  
اکتبر در شیلی و تحولات در  
پی آن  
صفحه ۸

طنز آقای چوخ بختیار و آلت  
تناسلی کفتار ماده  
صفحه ۱۵

"هشدار ای غریق غیرقانونی" .....شعر.....

سرنگون باد رژیم جمهوری اسلامی ، برقرار باد جمهوری فدراتیو شورائی !

خواست ها و مطالباتی فراگیرتر و مشترک آمادگی دارد.

در اعتراضات عمومی آبانماه برای اولین بار در تاریخ چهار دهه اخیر و حاکمیت سپاه جمهوری اسلامی شهرهای بزرگ و کوچک و حاشیه و مرکز بهم پیوستند و علاوه بر کارگران و زحمتکشان، افزایشی از لایه های میانی جامعه نیز که در حال رانده شدن به رده اقشار پائینی جامعه هستند، در این

اعتراضات شرکت کردند و در شعارها و مطالبات پایه ای، نظیر اعتراض به فقر و فساد و سرکوب و سرنگونی رژیم حاکم زبانی مشترک یافتند. اما برغم گستردگی اعتراضات و از خود گذشتگی بی نظیر توده های بپاخاسته، بدلیل نبود تشکل و حزب و رهبری منسجم و مورد اعتماد و وثوق توده های زحمتکش مردم با سرکوب خونین رژیم مواجه شده و از رسیدن به اهداف خویش ناکام ماندند.

اگرخواست ها و مطالبات و شعارهای رادیکال و پایداری و از جان گذشتگی معترضان آبان ۹۸ نشاندهنده تعلق طبقاتی این توده عظیم به طبقه کارگرو متحدان آن بود. اما از یک طرف عدم حضور و پشتیبانی کارگران شاغل و از طرف دیگر فقدان یک جبهه چپ انقلابی که مورد اعتماد توده ها بوده و بتواند اقشار مختلف از گارگران و زحمتکشان و جوانان را زیر یک چترگرد آورده و آنها را در پیچ و خم مبارزه و فراز و نشیب های آن هدایت کند، با



یدی شیشوانی

## از آبان تا آبان

طریقی از جمله اعتصابات و اعتراضات و تجمعات در برابر ارگانهای قانونگذاری و اجرائی به نتیجه نرسیده بودند.

بعد از سه دهه، خیزش دیمه ۹۶ اعتراضات عمومی ساختارشکنانه و بر علیه کلیت نظام مستقر را در سپهر سیاسی ایران را کلید زد و آنرا بازگشت ناپذیر نمود.

اعتراضات دی ۹۶ هرچند درخصلت عمومیت یافته و شعارها و مطالبات رادیکال اش تا آن تاریخ بی بدیل بود، اما هنوزبخش مهمی از توده های مردم، بویژه در مناطق اتنیکی تحت ستم را پوشش نمی داد و خواست ها و مطالبات مشترک و همبستگی سراسری شکل نگرفت.

اما خیزش عمومی توده های زحمتکش مردم در آبان ۹۸ بسیاری از نقاط ضعف و شکافها را پر کرد و سرایت سریع اعتراضات به بیش از صد شهر نشان داد که بلحاظ عینی جامعه برای خیزش عظیمتر و سراسری تر با

ادامه از صفحه اول

... حتی کمترین این اعداد چند برابر بیشتر از آمار کشته شدگان ۱۷ شهریور ۱۳۵۷ و آمار مورد همین منبع ذکر میکنند که "استناد منابع مورد تایید جمهوری اسلامی از جان باختگان ۱۵۰۰۰۰ است که خونبارترین اعتراض های خیابانی پیش از انقلاب محسوب می شوند."

آتش اعتراض های آبان ۱۳۹۸ با افزایش قیمت بنزین شعله ور شد. اما هیمنه این آتش در پی تشدید فقر و نابرابری های اجتماعی آن بخش از زحمتکشان فراهم شده بود که در پی نامیدی به هرگونه اصلاح از درون رژیم در دیمه ۹۶ برای دستیابی به مطالبات شان به خیابانها آمدند. اگر خیزش "سبز" در ۸۸ عمدتاً در توهّم به اصلاح طلبان شکل گرفت و توسط رهبران آنها هم در پیشگاه ولایت فقیه قربانی شد اما دیمه ۹۶ خیزش خود انگیخته توده های کار و زحمتی بود که از هیچ

سرکوب و شکست مواجه شد. نبود تشکل و حزب و سازمانیافتگی یک ضغف غیر قابل انکار در مقطع کنونی محسوب میشود ضعفی که بدون برطرف کردن آن جنبش خود انگیخته توده های بی شکل ره بجائی نخواهد برد.

اما جنبشهای اجتماعی توده های مردم که زیر بار سنگین ستم و استثمار و زور و سرکوب طبقه حاکم جانشان بلب رسیده است منتظر نمیمانند و هر شکاف درون حاکمیت، هر روزنه و جرقه ای آتش خشم نهفته آنها را شعله ور خواهد کرد.

زمین خوردگان بار دیگر برخوانند خواست و آیا آبان ماه دیگری در راه است؟

از آبان ۹۸ که خیزش توده های تحت ستم و استثمار به خونین ترین شکلی سرکوب شد، تا آبان ۹۹ شاهد تداوم اعتصابات کارگری و اعتراضات توده ای اما بشکل پراکنده بودیم. و این واقعیت را نمیتوان انکار کرد طبقه کارگر بعنوان یک طبقه آگاه به منافع طبقاتی خود هنوز بشکل گسترده وارد عرصه مبارزه نشده است و در مقطع کنونی در فقدان تشکل و حزب کارگری و وجود شرایط عینی چنین انتظاری هم بیمورد است. اعتصابات متعدد در کارخانه ها و صنایعی نظیر هفت تپه، فولاد و غیره بیشتر در صنایع خصوصی سازی شده ای است که بدلائل مختلف با بحران مواجه شده اند که این نوشته جای

پرداختن به آنها نیست. اما با وجود بی تشکلی کارگران، تداوم اعتصابات و تداوم اعتراضات کوچک و بزرگ گروه های مختلف اجتماعی نشاندهنده این واقعیت است که برغم سرکوب بی رحمانه خیزش آبان اما حرکت های اعتراضی و اعتصابات کارگری به محاق نرفته است و با توجه به وضعیت اقتصادی و اجتماعی و سیاسی جامعه اعتراضات با سرکوب خیزش آبان

**تجربیات تاکنونی نشان میدهد که فقط با اعتصابات پراکنده و اعتراضات خیابانی هر چند با خصوصیت و محتوای انقلابی و گسترده. اما نمیتوان رژیم ددمنش حاکم را سرنگون کرده و سرنوشت خویش را در دست گرفت. باید تدابیری اندیشید و سیاست ها و روش های انقلابی را بکار بست که شرایط را برای اتحاد نیروهای کارگران و زحمتکشان و آزادیخواهان جامعه آسان نماید و نیز موقعیت و توانایی را برای فلج کردن دستگاه های اقتصادی و نظامی رژیم فراهم سازد.**

نمیتوانست متوقف شود. همانطور که در دیماه ۹۶ متوقف نشد. خیزش آبان ۹۸ بمثابه سرفصلی ماندگار در تاریخ مبارزه طبقات ستمکش در برابر طبقه حاکم در تاریخ معاصر ایران، دلایل عینی اقتصادی و اجتماعی و سیاسی داشت که با سرکوب خونین این خیزش از میان نرفته است. آنچه که توده های زحمتکش مردم را به اعتصابات و اعتراضات و خیزشهای توده ای میکشاند برآمده از سیاست های اقتصادی طبقه حاکم و بطور ویژه سیاست اقتصادی نئولیبرالی است که شکاف طبقاتی را هر چه عمیق تر کرده و میکند. در فاصله یکسال گذشته تشدید زمینه ها و عوامل موجد خیزش آبانماه به تداوم اعتراضات و اعتصابات بی شمار کارگران و زحمتکشان منجر شده و ادامه اعتراضات و چه بسا خیزشهای دیگری را رقم خواهد زد.

این فرایند به هیچ وجه نمیتواند با مانع سرکوب متوقف شود اما این واقعیت را نباید فراموش کرد که در این فرایند خیزش و سرکوب، تا مادامیکه توازن قوا به نفع کارگران و زحمتکشان نچرخیده است، اعتراضات و خیزشهای

## بمناسبت ۲۵ نوامبر. روز جهانی مبارزه با خشونت علیه زنان

یسنا احمدی



... و در سال ۱۹۹۹ مجمع عمومی سازمان ملل این روز را در تقویم بعنوان روز جهانی مبارزه بر علیه خشونت زنان تصویب نمود. و همواره در این روز که یادآور قتل وحشیانه سه خواهر میرابال است، کنشگران سیاسی را برای پیوند با مبارزات زنان ترغیب مینماید.

ستم و خشونت بر زنان یک پدیده جهانی و گسترده میباشد که در هر جامعه و کشوری بسته به نوع تکامل فرهنگی، اجتماعی و سیاسی و اقتصادی حاکم بر آن جامعه به سطوح مختلفی تقسیم میشود به همین سبب خشونت ها و ابزار فشار ناشی از آن، این روند و سیستم ها بر زنان کارگر و زحمتکش و سرپرست خانواده و یا در اقشار تحصیل کرده و کارمند و دانشجو و ... به شکل های متفاوتی ظاهر میشود که در نهایت همگی به تشدید خشونت ها در سطح وسیع جامعه و در سطح کوچکتر آن یعنی خانواده می انجامد.

بحث خشونت علیه زنان در طول ادوار یک بحث جامع و تخصصی میباشد که برای توصیف و شرح اقدامات خشونت بار بر ضد زنان هر جامعه بکار برده میشود.

خشونت های علیه زنان در هر جامعه ای انواع و اشکال مختلفی را در بر میگیرد که بطور اجماع شامل خشونت های کلامی، جسمی، جنسی، تجاوز، خشونت های رفتاری، سیاسی، و اجتماعی و ..... میباشد علاوه بر موارد ذکر شده خشونت های پنهان بر علیه زنان هم بسیار تامل برانگیز است که در ظاهر امر به چشم نمی آیند اما آثار بسیار مخرب بر روان و رفتار زنان جامعه برجا میگذارد.

در کشوری مثل ایران که تمام سیستم حقوقی، اجتماعی، سیاسی، و خانوادگی

مردان حمایت کامل نماید و خدمات بهداشتی سیستم روانپزشکی جامعه در حل این بحران را بکار بگیرد ولی در سیستم حاکم بر جامعه ایران که همه خدمات آن در اختیار نظام سرمایه داری است و فقر در جامعه بیداد میکند و هیچگونه حمایت اقتصادی، اجتماعی، و فرهنگی، و بهداشتی و سلامت جامعه انجام نمیشود آثار مخرب و ویرانگری بر جامعه وارد میکند و زنان که نیم اعظم یک جامعه را تشکیل میدهند علاوه بر تمام این موارد تحت خشونت های مضاعف تر قرار میگیرند.

جامعه ایران یک جامعه بیمار است که متأسفانه در تمام افراد جامعه تاثیرات فراوان بجا گذاشته است. علاوه بر تمام موارد ذکر شده، بحران کرونا که قریب یکسال است که بر تمام جهان سایه افکنده است در جامعه ایران اثرات بسیار منفی تری بجا گذاشته است، بسیاری از زنان و مردان در طی یکسال گذشته کار و شغل خویش را از دست داده اند و هیچگونه سیستم حمایتی حاکم بر ایران از مردم کشور حمایت و پشتیبانی نمیکند و مردم هر روز زیر فشارهای سنگین اقتصادی بیشتر قرار

و ... در یک سیستم مردسالاری خلاصه و دربرگیرنده میشود خشونت های پنهانی بسیار بیشتر ملموس و بر دوش زنان ایران سنگینتر احساس میشود، که میتوان به تعدد زوجات، نداشتن حق طلاق، نداشتن حق نگهداری فرزندان بعد از طلاق توسط مادر، صدمات روحی و روانی در محیط خانه توسط مردان بر زنان که کمتر از صدمات جسمی و آزاد های بدنی نیست اشاره کرد، همین روند مردسالاری در جامعه تحت حاکمیت مذهب بر ایران در اکثر نقاط ایران متأسفانه باعث میشود که زنان در بسیاری از موارد قدرت تشخیص و تصمیم گیری درست و صحیح را از دست داده و در برابر فشارهای حاکم بر زنان که هم از سوی جامعه ی تحت سلطه سیستم ارتجاعی و زن ستیز ایران و همچنین در خانواده که تماماً اختیارات به مردان داده میشود زنان رنجیده از این فشارهای سنگین و مضاعف را وادار میکند که چاره ای برای خود جز خودکشی و بسوی مرگ رفتن در شرایط روحی اسف بار نمی گذارد.

در یک جامعه نرمال، سیستم بهداشتی و سلامت یک جامعه میبایست برای تمام افراد جامعه از زنان، کودکان، و

## بهمناسبت ۲۵ نوامبر. روز جهانی مبارزه بر علیه خشونت زنان

## خیزش آبانماه ۹۸ در مبارزات جاری تا پیروزی بر اهریمن ارتجاع ادامه دارد

### کارگران و زحمتکشان، جوانان و دانشجویان!

یکسال از خیزش گسترده و انقلابی شما بر علیه دستگاه ستم و استثمار و سراسر فساد و تباهی جمهوری اسلامی گذشت.

اعتراضات برحق شما علیه تشدید فقر، بیکاری، گرانی، فساد دولتی و اختلاسهای میلیاردی صاحبان قدرت و ثروت، با سرکوب و کشتار بی رحمانه پاسخ داده شد. طی سال گذشته با شیوع گسترده ویروس کرونا این سرکوبگریها با شدت بیشتری ادامه یافت و نه تنها به مطالبات میلیونها مردم زحمتکش پاسخ داده نشد، بلکه تاکنون از اعلام تعداد جانباختگان، زخمی ها و دستگیرشدگان آبان ۹۸ نیز خودداری نموده اند و برغم مخالفت افکار عمومی مترقی ایران و جهان عده ای از معترضین زندانی را نیز اعدام کرده اند.

خیزش گسترده و سراسری شما در آبان ۹۸ و تداوم مبارزات کارگران، معلمان، کارمندان، زنان و جوانان بر علیه ستم و استثمار و فقر و نداری، نشانگر ناکارآمدی سرکوب و بازگشت ناپذیری مبارزات شما بر علیه کلیت نظام تبهکار حاکم است.

تجربه مبارزات و خیزشهای پی در پی شما نشان میدهد که راه چاره ای جز تشدید مبارزه تا سرنگونی رژیم حاکم و بدست گرفتن سرنوشت خویش وجود ندارد.

اما پیروزی در این راه نیاز به متشکل و متحد شدن کارگران و زحمتکشان در جبهه ای انقلابی است تا با قدرت اجتماعی بیشتر و با سیاست ها و تاکتیکهای روشن بتواند در برابر دسایس و سرکوبگری مافیای حاکم و احزاب و جریانهای مدافع وضع موجود توده های زحمتکش مردم را متحد کند و پیکار نهائی برای سرنگونی انقلابی رژیم جمهوری اسلامی را سازمان داده و به پیروزی برساند.

نیروی طبقه کارگر و متحدان آن، یعنی اکثریت عظیم نیروی کار و زحمت شکست ناپذیر است.

## خیزش آبانماه ۹۸ در مبارزات جاری تا سرنگونی انقلابی نظام دومش حاکم ادامه دارد.

سرنگون باد رژیم جمهوری اسلامی

برقرار باد جمهوری فدراتیو شورائی

زنده باد سوسیالیسم

سازمان اتحاد فدائیان کمونیست

۲۶ آبان ۹۹

میگیرند و کمر خم میکنند همین موضوع متأسفانه روند خشونت های خانگی را بیشتر و مضاعف تر نموده است و روزانه شاهد اخبار تاسف برانگیز خودکشی ها در زنان و حتی کودکان تحت ستم سیستم سرمایه داری حاکم بر ایران هستیم، درایران، مبارزه زنان بر علیه تبعیض های جنسیتی و فعالیت های اجتماعی و... در طی سالهای متمادی و به اشکال متفاوتی همواره در جریان و در بطن جامعه وجود داشته است بویژه در جنبش های انقلابی و اعتراضی مردمی شرکت فعال و نقش مهمی ایفا کردند، در اعتراضات اخیر در دیماه ۹۶ و آبان ۹۸ بار دیگر زنان ایران حجاب اجباری و قوانین ضد زن و ضد انسانی جمهوری اسلامی را همگام با اعتراضات مدنی و اجتماعی و اقتصادی به چالش کشیدند و همراه و همگام با تمام اقشار جامعه خواسته های سیاسی اجتماعی خود را مطرح نمودند. به مناسبت روز ۲۵ نوامبر، روز جهانی مبارزه با خشونت بر علیه زنان ما فعالان جنبش چپ ایران همراه و همگام با تمام زنان و مردان برابری خواه و آزاد اندیش کوشش مینماییم که صدای رسای مبارزات زنان بر علیه خشونت های حاکم بر سرنوشت زنان اعم از جنسیتی و اجتماعی و فرهنگی و... باشیم و با تلاش مضاعف در جهت رفع این تبعیض، همگام با سایر خواسته های مبارزاتی مردم ایران بر علیه نظام حاکم گام برداریم و بر این باور هستیم که بدون رهایی زنان از ستم، رهایی و آزادی یک جامعه میسر نخواهد گردید.

پسنا احمدی - آبان ۹۹

## مسبب خشونت علیه زنان نظام طبقاتی مبتنی بر خشونت است!

### بیانیه مشترک

مناسبت ساروز ۲۵ نوامبر «روز جهانی منع خشونت علیه زنان»

به آنان را صد چندان می کند. تجاوز گروهی در خیلی کشورها و مناطق به امری عادی بدل شده است. بعنوان مثال تن فروشی پدیده ای قدیمی است، اما در جوامع کنونی در هیئت یک صنعت پرسود و بسیار خشن گسترش یافته است. در دنیای امروز قاچاق زنان و کودکان و مسئله بردگی جنسی یک معضل لاینحل است. باندهای قاچاق انسان، زنان و کودکان بخت برگشته را چون مواد مخدر به این سو و آن سوی جهان و به بازارهای برده فروشی منتقل می کنند. مهاجرت نیز عامل بسیاری از خشونت های گسترده است.

خشونت بطور عموم و خشونت علیه زن بطور اخص، یک پدیده اجتماعی است، دلایل اقتصادی و سیاسی دارد. خشونت، خروجی مناسبات نابرابر اجتماعی است که خود را در همه اشکال و ظرفیت ها نشان می دهد. جامعه ای که براساس نابرابری، تبعیض وحشیانه، بی عدالتی و استثمار فرد از فرد سازمان داده شده است، نمی تواند عاری از خشونت باشد. بردگی مزدی و نظام سرمایه داری مبنای علت پایه ای خشونت است. از اینجاست که کوه ثروت از یکسو و دره فقر از سوی دیگر دهان می گشاید، نابرابری و تبعیض در مغز استخوان مناسبات انسان ها جاخوش می کند، قوانین و فرهنگ منحط مردسالار و نگرش تبعیض گر جان می گیرند. در این چهارچوب است که بالا به پائین زور می گوید، دولت به شهروند، سرمایه دار به کارگر، مرد به زن، رئیس خانواده به افراد خانواده، مادر و پدر به فرزند، و هر کسی که دستش می رسد دیگری را زیر می گیرد. در جامعه ای که دزدان و ریاکاران صاحب قدرت و عالینجاب اند و مردم کارگر و زحمتکش

اماکن عمومی و چه در محدوده خصوصی، مصداق بارز خشونت علیه زنان است."

در دو دهه گذشته و بدنبال صدور این قطعنامه، سازمان های دولتی و نهادهای مختلف زنان کنفرانس های متعددی پیرامون خشونت علیه زنان برگزار کرده و کمپین های مختلفی سازمان داده اند. نتیجه اما بشدت تاسف بار است، هر سال به آمار خشونت و تجاوز جنسی و قتل زنان و آزار جنسی افزوده می شود. خشونت در قانون و بنیادهای جامعه، در فرهنگ و ایدئولوژی و سنت و مناسبات اجتماعی جایگیر شده است. خشونت علیه روان و شخصیت زن، خشونت کلامی، خشونت در آموزش و پرورش و محیط تحصیل، خشونت در بازار کار، خشونت در چهاردیواری و روابط خصوصی و از هر منفذ جامعه بیداد می کند. خشونت امری صرفا مردانه نیست، خشونت زنانه و مادرانه هم بوفور وجود دارد. جنگ و فقر از عوامل مهم خشونت هستند. زنان و کودکان بیشتر از مردان قربانی خشونت در جنگ هائی هستند که خود سهمی در آن نداشتند. فقر، شخصیت افراد را خرد می کند، احترام افراد را پائین می آورد، خشونت نسبت

قتل فجیع خواهران میرابل توسط عوامل رافائلو تروخیو، در ۲۵ نوامبر ۱۹۶۰ صورت گرفت. در این روز، وقتی پاتریا، ماریا و آنتونیا میرابل به ملاقات همسران زندانی شان می رفتند، در مسیر راه با شلیک گلوله مزدوران دیکتاتور دومینکن کشته شدند. قتل فجیع خواهران میرابل، خشم و نفرت عمومی را علیه رافائلو تروخیو دیکتاتور دومینکن برانگیخت و تاثیر شگرفی بر عزم و اراده مبارزاتی زنان آمریکای لاتین گذاشت. سازمانهای مدافع حقوق زنان آمریکای لاتین و حوزه کارائیب در سال ۱۹۸۱ روز ۲۵ نوامبر را روز یادمان خواهران میرابل اعلام کردند. ۱۸سال بعد، در سال ۱۹۹۹ سازمان ملل متحد نیز با صدور بیانیه و قطعنامه ای روز ۲۵ نوامبر را، "روز جهانی منع خشونت علیه زنان" نامگذاری کرد. در قطعنامه سازمان ملل، در تعریف "خشونت" آمده است: "هر اقدامی علیه زنان که بر مبنای جنسیت صورت گیرد و موجب صدمات جسمی، جنسی و روانی و یا موجب رنج شان گردد، یا بتواند موجب این صدمات شود، اقدامی خشونت آمیز علیه زنان است. همچنین، هر امری که به زنان تحمیل شود و آزادی آنان را خودسرانه سلب کند، چه در

## مناسبت سالروز ۲۵ نوامبر ...

حتی بحساب نمی آیند، وجود خشونت امری طبیعی است. این مناسبت نابرابر برای ادامه حیات خود فقط به خشونت فیزیکی متوسل نمی شود بلکه به ایدئولوژی توجیه گر وضع موجود نیز نیاز دارد. باید قربانیان خشونت قبول کنند که شرایط مشقت بارشان "طبیعی" است.

در ایران تحت حاکمیت جمهوری اسلامی اما خشونت بنیادی سرمایه داری علیه جسم و روان انسان ها با مذهب ترکیب شده و سرنوشت فاجعه باری برای زنان رقم خورده است. در ایران مبارزه با خشونت علیه زنان با مبارزه برای سرنگونی جمهوری اسلامی گره خورده است. جمهوری اسلامی، رژیم سرکوبگر، زن ستیز و مروج خشونت دولتی در تمام ابعاد جامعه است. در جمهوری اسلامی، اگرچه عموم زنان زیر مهمیز خشونت های دولتی قرار دارند، اما زنان کارگر همواره در گستره ای وسیعتر و با اشکال متنوع تری از نابرابری و تبعیض و خشونت مواجه هستند. جمهوری اسلامی، به پشتوانه احکام ضد انسانی فقه و دین و شریعت، خشونت علیه زنان را به آشکارترین وجه ممکن در جامعه نهادینه کرده است. از این رو، مسئله خشونت علیه زنان در ایران، پیش از هر چیز یک مسئله سیاسی است، که ارتباطی تنگاتنگ با نقش اصلی جمهوری اسلامی به عنوان یک دولت دینی زن ستیز مبلغ و مروج نابرابری و تبعیض علیه زنان دارد. یک رژیم دیکتاتوری عریان که حامی و مشوق اعمال خشونت علیه زنان است. دولتی سرکوبگر و پاسدار و مروج خانواده اسلامی مردسالار، لذا، بدون تسویه

حساب کامل با این دولت سرمایه داری و دینی حاکم بر ایران، هرگونه ادعایی در مورد مبارزه با خشونت علیه زنان پوچ و فاقد ارزش است. جمهوری اسلامی، فقط حامی و پاسدار اعمال خشونت مردان بر زنان در چهار دیواری خانواده مردسالار نیست. این رژیم، تمام نیروی سرکوب خود را در کوچه و خیابان، شهر و روستا، مدرسه و دانشگاه، محل کار و محیط زندگی به کار گرفته است تا قوانین زن ستیز و مقررات تبعیض آمیز خود را بر زنان اعمال کند. پلیس، گله های حزب الهی و اوباشان اسید پاش جمهوری اسلامی در همه جا مامور اعمال خشونت بر زنان هستند.

زنان و مردان برابری طلب، انسان های آزاده!

اگر در دومنیکن، فقط قتل خواهران میرابل - که روز جهانی منع خشونت علیه زنان با یاد و خاطره آنان پدید آمد - موجب قیام و سرنگونی دیکتاتور دومنیکن شد، در ایران تحت حاکمیت جمهوری اسلامی چرا چنین اتفاقی صورت نگیرد. در ایران، صدها زن به دلیل مخالفت با حجاب اجباری، فعالیت سیاسی و مبارزه با نابرابری و تبعیض جنسیتی به قتل رسیده اند. زنان بسیاری با اسید پاشی مزدوران جمهوری اسلامی، زندگی شان به تباهی رفته است. زنان زیادی به دلیل فعالیت سیاسی بازداشت و در زندان های جمهوری اسلامی مورد تجاوز قرار گرفته و سپس به قتل رسیده اند. خشونت در ذات جمهوری اسلامی نهفته است. جمهوری ضد زن اسلامی را باید سرنگون کرد. میلیون ها زن آزادیخواه و خواهان رفع تبعیض و نابرابری، در صف اول این مبارزه انقلابی قرار دارند. زنان و مردان برابری طلب، انسان های آزاده!

شورای همکاری نیروهای چپ و کمونیست، با اعتقاد به اینکه ریشه تبعیض و نابرابری علیه زنان در نظام های طبقاتی است و رفع واقعی ستم، نابرابری و خشونت علیه زنان، تنها با بر افتادن نظم طبقاتی سرمایه داری و استقرار یک نظام سوسیالیستی مبتنی بر برابری کامل تمام انسان ها متحقق می شود، در عین حال از هر مبارزه واقعی، برای تغییر قوانین بنفع زنان، حتا در همین نظام به شدت زن ستیز سرمایه داری جمهوری اسلامی دفاع و برای تحقق آن مبارزه می کند. مبارزه علیه خشونت نسبت به زنان، بخشی از مبارزه برای ایجاد جامعه ای آزاد و برابر و عاری از هر نوع تبعیض و خشونت است. برای ریشه کن کردن خشونت، باید برای هر ذره بهبود و برابری مبارزه کرد. اما پوشیده نیست با بودن و استمرار مناسبات و نظام نابرابر و ضد انسانی سرمایه داری، خشونت در اشکال و ابعاد مختلف از جمله خشونت علیه زنان و قتل و جنایت نیز استمرار خواهد داشت. لذا، شورای همکاری نیروهای چپ و کمونیست همه زنان و مردان برابری طلب و انسان های آزاده را برای مبارزه ای پیگیر جهت سرنگونی انقلابی جمهوری اسلامی و استقرار حکومت شورایی کارگران و زحمتکشان فرا می خواند.

سرنگون باد رژیم سرمایه داری  
جمهوری اسلامی ایران

زنده باد آزادی، زنده باد سوسیالیسم

۲ آذر ۱۳۹۹ - ۲۲ نوامبر ۲۰۲۰

امضاها: اتحاد فدائیان کمونیست، حزب کمونیست ایران، حزب کمونیست کارگری- حکمتیست، سازمان راه کارگر، سازمان فدائیان (اقلیت) و هسته اقلیت.

## رفراندوم روز یکشنبه ۲۵ اکتبر در شیلی و تحولات در پی آن

### گزارشی از بخش بین الملل سازمان اتحاد فدائیان کمونیزست

اینبار مبارزه عظیم توده های خلق شیلی و همبستگی چشمگیر مردم در تمامی صحنه های مبارزه، دولت حاکم شیلی، با نظم سرمایه داری و سیستم لیبرالیسم نو را به اجبار کشاند تا تن به رفراندوم دهد و شکست اولیه خود را به دوش بکشد! اما این شکست، شکست نهایی نیست!

تلاش تمامی مجامع و حرکت های توده ای در شیلی بعد از این رفراندوم بر این است که تمامی حقوق پایمال شده توده ها، که به قیمت از دست دادن جان صدها نفر و زخمی شدن هزاران نفر، تجاوز کردن به صدها زن از طرف پلیس و نیروهای امنیتی دولت صورت گرفته، بتواند احقاق دمکراتیک توده ها را به کرسی برساند. به گفته و مصوبات تمامی کمونهای محلات و تشکلهای اجتماعی و توده ای، مبارزه تا آخر ادامه دارد! یا مرگ یا آزادی شعارهای همه گیری ست که در همه جا به گوش میرسد. در فیلم تهیه شده که با کمک همکاری انستیتو روزا لوکزامبورگ آلمان در برلین انجام گرفته و خیلی از شیلی های فعال در شیلی در تهیه آن یاری داشته اند، نکات مهمی از شورشهای یکساله اخیر را در خود نهفته است که بیان از وحدت، یکپارچگی و همبستگی خلق شیلی را بخوبی منعکس میکند! وحدت و همبستگی که همچنان تاکنون ادامه داشته است. این فیلم مستند به نام ( SENTIDO (en) COMUN ) به زبان اسپانیایی و زیرنویس آلمانی ست .

دیروز برای اولین بار پخش شده است و مبارزات و شورشهای مردم شیلی را، از تاریخ اکتبر ۲۰۱۹ الی مارس ۲۰۲۰ به نمایش میگذارد.

گزارش از بخش بین الملل سازمان اتحاد فدائیان کمونیزست

خوشنودی میلیونها نفر از توده های مردم شده است. تصویب و قرار این رفراندوم بر این است که یک مجمع و کمیسیون توده ای، به نماینده گان متشکل از تمامی اقشار جامعه، از جمله زنان، کارگران، دانشجویان، محصلین، کارمندان، معلمان،... و همچنین سازمانها و حرکت های سیاسی- اجتماعی، جنبش فمینیستها، جنبش محیط زیست و غیره در تهیه منشوره، برای تعیین بندها، تصویب مصوبات و پیشنهادات مهم برای قانون اساسی جدید، نقش اصلی و اساسی را داشته باشند و هدایت و راهنمای تصمیمات جدید را بعهده بگیرند .

تغییر و تصحیح برای قانون اساسی جدید، دال و بحث بر ثبت آموزش و پرورش رایگان برای توده های مردم، که تماما تاکنون به بخش خصوصی واگذار شده است، دال بر برقراری سیستم درمانی رایگان که تاکنون کلا در دست شرکتهای خصوصی و سرمایه داران قرار داشته، تسریع و گسترش سیستم آبرسانی، گاز، برق در خدمت توده های مردم، که در کل تا کنون در دست کمپانیهای چپولگر قرار گرفته، برچینی سیستم ترابری و رفت و آمد که فقط در اختیار شرکتهای استثمارگر و میلیاردر قرار دارد و میلیونها نفر از این ضروریات و مایحتاجهای روزانه خود بی بهره اند، می باشد.

یکسال بعد از شورشهای عظیم توده های مردم در شیلی که از تاریخ اکتبر ۲۰۱۹ آغاز گشت و تظاهرات و اعتصابات سراسری را به مدت چندین ماه به همراه داشت ( گزارشات آن در ماه آبان ۱۳۹۸ در کار کمونیستی شماره ۱۷۲ آورده شده است)، حاکمان، باقیمانده ها و نماینده گان حکومت دیکتاتوری - نظامی پینوشه را که هنوز بر سر کار هستند را به لرزه کشاند تا آنجا که این شورشهای توده ای که ماهها تداوم داشت حکومت شیلی را مجبور به تن دادن به اجرای یک رفراندوم برای تغییر قانون اساسی کرد، بهمین خاطر در روز یکشنبه گذشته ، درست یکسال بعد از آغاز شورشها، این رفراندوم به اجرا درآمد. شیلی به پای تغییر و تصحیح قانون اساسی میرود، قانون اساسی که بیست سال پیش با تصویبات و تصمیمات خط لیبرالیسم نو حکومت ارتجاعی حاکم، وابسته به بانک جهانی و سرسپرده آیالات نامتحدده آمریکا، تمامی حقوق مردم زحمتکش شیلی را پایمال کرده است.

روز یکشنبه گذشته ۲۵ اکتبر مردم شیلی با ارائه بیش از ۸۰ درصد رأی خود، جواب مثبت به رفراندوم دادند و قدم مهمی را در راه برچینی نظم غیرعادلانه و استثمارگر برداشتند! قدم مهمی که نگاهی به حرکت به جلو برای اکثریت تام مردم شیلی را در خود نهفته است! این تحول موجب



# سرنگونی رژیم. در گرو همبستگی و اتحاد عمل!

حسن جداری

زاده، علی مسیو، پیشه‌وری، شیخ محمد خیابانی، همه از خاک آذربایجان برخاسته و در راه آزادی و دموکراسی، با جان و دل، تلاش و فداکاری کرده‌اند. صد دریغ که امروز، جای آن مبارزین از جان گذشته راعناصر ضد کمونیستی گرفته‌اند که در رسانه‌ها و انتشارات خود، اشاعه ناسیونالیسم افراطی، پان‌ترکیسم و مبارزه با کمونیسم را هدف اصلی خود، قرار داده‌اند. آنها مبارزه علیه رژیم ضد مردمی جمهوری اسلامی را کنار گذاشته و قبله حاجت خود را اردوغان ترکیه و الهام علی‌اوف، قرار داده‌اند. در تلویزیون و دیگر رسانه‌های این عناصر ضد کمونیست، آشکارا پان‌ترکیسم و این دروغ آشکار که در دنیا هر چه ترک و ترک‌زبان وجود دارد ملت واحدی را تشکیل می‌دهند، تبلیغ می‌شود.

+++++

این واقعیت آشکارا نمی‌توان انکار کرد که ایران کشوری است چندملیتی که در آن رژیم جمهوری اسلامی برملت‌های غیرفارس، ستم ملی اعمال می‌کند. بهمین دلیل نیز در این کشور اسیر در چنگال رژیم‌های شوونیست، همواره فریاد اعتراض ملت‌های غیرفارس علیه ستم و تبعیضات ملی، بلند بوده است. اما باید دید راه حل منطقی مساله ملی در ایران چندملیتی چیست و بچه‌نحوی ملت‌های تحت ستم ایران می‌توانند خود را از چنگ ستم ملی که بر ابعاد ستم طبقاتی نیز می‌افزاید، رها سازند. ستم ملی برملت آذربایجان به هیچ وجه با پناه بردن به درگاه اردوغان‌ها و علی‌اف‌ها حل نمی‌شود. حوادث سیاسی و نظامی که در جمهوری آذربایجان و دیگر کشورهای همسایه اتفاق می‌افتد، تاثیری ناچیز در ایران اسیر در چنگال رژیم جمهوری اسلامی دارد. در ۴۲ سال گذشته، در خاورمیانه حوادث سیاسی

ناسیونالیستی و جدائی طلبانه در بین ملت‌های غیرفارس، دامن می‌زند.

+++++

این روزها آذربایجانی‌هایی هستند که تعلق خاطرشان منحصرًا حوادث سیاسی جمهوری آذربایجان می‌باشد. آن‌ها جزئیات اخبار مربوط به قره‌باغ را با شور و اشتیاق مطالعه کرده و از اینکه قشون‌های جمهوری آذربایجان در پس گرفتن قره‌باغ اشغالی از جمهوری ارمنستان پیروزی‌هایی به دست آورده‌اند، احساس وجد و سرور می‌کنند. برای این قبیل افراد، آنچه در جمهوری آذربایجان می‌گذرد، در درجه نخست اهمیت قرار دارد. به عبارت دیگر، آن‌ها جمهوری آذربایجان را وطن اصلی خود دانسته و به حوادثی که در ایران می‌گذرد، اهمیت چندانی قائل نیستند. آنها تمام حواس خود را متوجه مسائل سیاسی جمهوری آذربایجان کرده و در مقابله با آنچه در ایران می‌گذرد، سخت بی‌تفاوت می‌باشند. حال آنکه زادگاه و پرورشگاه آنها آن بخش از آذربایجان می‌باشد که جزوی از سرزمین ایران محسوب می‌شود و رژیم‌های شوونیستی و آزادی‌کش در آن، حاکم است. زمانی بود که آذربایجان مرکز ثقل و مشعل دارجنش‌های دموکراتیک و آزادیخواهانه در ایران بود. اکثر مبارزین و کمونیست‌های ایران در دوران انقلاب مشروطیت و تشکیل حزب عدالت در سال ۱۹۱۷ و حزب کمونیست ایران در سال ۱۹۲۰ در نخستین کنکره حزب عدالت، از اهالی آذربایجان بودند. مبارزینی نظیر حیدر عمو اوغلی، ستار خان، باقر خان، غفار

ادامه از صفحه نخست ... سبب شده است که برخی از کسانی که تا دیروز فریاد اعتراض شان علیه رژیم ارتجاعی حاکم بلند بود، مایوس و ناامید گردیده و دست از مقاومت و ایستادگی در مقابل یکی از جنایتکارترین رژیم‌های موجود در جهان، بردارند. یکی دیگر از عوارض دردناک سلطه طولانی رژیم جمهوری اسلامی، همانا به‌بوته فراموشی سپرده شدن مبارزه ضد رژیم‌های در بین برخی از روشنفکران متعلق به ملت‌های غیرفارس می‌باشد. حوادث اخیر قره‌باغ و جنگ‌های خونین بین رژیم‌های آذربایجان و ارمنستان برسر این بخش از خاک آذربایجان، به روشنی نشان داد که در بین برخی از روشنفکران و جوانان آذربایجانی، احساسات هم‌زبانی و تمایل به همبستگی با اهالی ترک‌زبان جمهوری آذربایجان تا چه حد ملموس و قدرتمند است. وجود رژیم‌های سرکوبگر و شوونیستی در ایران و فقدان کامل آزادی و دموکراسی در این کشور از یک طرف و تبلیغات پانی و ناسیونالیستی از جانب محافل و رسانه‌های متعلق به بورژوازی ملت‌های تحت ستم از طرف دیگر، سبب گرایش بسیاری از جوانان متعلق به ملت‌های غیرفارس به تمایلات ملی‌گرایانه و دوری آن‌ها از مبارزه علیه رژیم ضد مردمی، شده است. در عین حال، اشاعه و رواج اندیشه‌های ارتجاعی پان‌ایرانیستی در سطح جامعه همراه با تحقیرزبان و فرهنگ و آداب و رسوم ملت‌های غیرفارس، مدام به احساسات و تمایلات

## سرنگونی رژیم. در گرو همبستگی واتحاد عمل!

است بخش هائی از سرزمین های اشغالی را از چنگ دولت ارمنستان خارج سازد، هر قدر هم قدرتمند و مداوم باشد، نمی تواند تاثیری ملموس در رفع ستم ملی در ایران داشته باشد. در عراق حمله آمریکا و سرنگونی رژیم صدام حسین، سبب آن شد که دولت خودمختار کرد ها در درون حکومت عراق به وجود بیاید، اما این حوادث و دگرگونی های مهم سیاسی در این کشور بلا دیده، موجب آن نشد که کردهای ایران که ۴۲ سال تمام است علیه رژیم جمهوری اسلامی مبارزه می کنند، به کسب حق خودمختاری نایل گردند. مساعی خلق کرد ایران در جهت کسب حقوق ملی در طول چهار دهه گذشته همه با سد و مانع رژیم جمهوری اسلامی برخورد کرده و به جایی نرسیده است.

+++++

تنه راه رفع انواع ستمدیدیگی ها در ایران، همانا سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی از طریق قهر انقلابی توده های زحمتکش می باشد. اما سرنگونی رژیم ارتجاعی به خودی خود و تحت هر شرایطی منجر به رهائی ملت های غیر فارس ایران از چنگ ستم ملی نمیشود. سرنگونی رژیم نخستین شرط

ادامه در صفحه ۱۴

نشریه **راه سرخ** ارگان فعالین داخل کشور سازمان اتحاد فدائیان کمونیست. راه سرخ صدای کارگران و زحمتکشان و تمامی کسانی است که به مبارزه برای سرنگونی انقلابی رژیم ارتجاعی جمهوری اسلامی و نفی هرگونه استثمار و کارمزدی باور داشته و در این راه از هیچ چیز دریغ نمی نمایند. از طریق ایمیل ادرس:

[Rah\\_sorkh@yahoo.com](mailto:Rah_sorkh@yahoo.com)

نظرات، پیشنهادات و انتقادات خود را با دست اندرکاران نشریه در میان بگذارید.

منتشر شد!

غیرمذهب رسمی از بین خواهد رفت و نه ستم دیر پای ملی از ایران چند ملیتی، رخت بر خواهد بست.

+++++

اگر هم یکی از ملت های تحت ستم ایران، از آنجمله ملت ترک زبان آذربایجان این خواست استقلال طلبانه را داشته باشد که از ایران جدا گردیده و سرنوشت خود را در دست خود داشته باشد، تا زمانی که سلطه رژیم جمهوری اسلامی همچنان باقی است، بدون تردید به این هدف نایل نخواهد آمد. به این دلیل روشن که رژیم تمام نیروهای نظامی خود را به ناحیه زندگی ملتی که خواست جدا شدن دارد و بخاطر آن دست به مبارزه زده است گسیل داشته و با توسل به بدترین کشتارها جنبش استقلال طلبانه را شکست خواهد داد. این یک واقعیت است که کمونیست ها حق تعیین سرنوشت ملل را قبول داشته و این حق را به مثابه حق جدائی ملت ها در یک کشور چند ملیتی می شمارند. اما در کشوری که در آن به مدت نزدیک یک قرن، حکومت های استبدادی مرکز گرا ملت های غیر فارس را در معرض بدترین ستمدیدیگی ها قرار داده اند، با صرف شعار دادن و اعتراضات آرام مدنی و دل به حمایت این یا آن دولت خارجی بستن، امر جدائی ملتی از ملت های ساکن ایران حل نمی شود. سرکوب ددمنشانه جنبش ها و خواست های ملت های تحت ستم در این کشور چند ملیتی از جانب رژیم های ارتجاعی و شوونیست پهلوی و اسلامی در طول ده ها سال گذشته، درستی این نظریه را بارها به ثبوت رسانده است. شور و شادمانی در تبریز و دیگر شهرهای آذربایجان به این جهت که جمهوری آذربایجان توانسته

زیادی رخ داده، اما اسارت توده های زحمتکش ایران، همچنان تداوم داشته است. در ابان ماه سال گذشته، توده های به پا خاسته در سرتاسر کشور بامبارزات بی امان خود، پایه های پوسیده رژیم را به لرزه در آورده و حماسه هائی از پایداری و مقاومت آفریدند. اگر مبارزات متحد و یک پارچه توده های زحمتکش در اطراف و اکناف کشور دوام داشته باشد، اگر میلیون ها انسان آزاده و ستمدیده، در مقابل رژیم تا دندان مسلح، متحد و یک پارچه مبارزه کنند و زورگوئی و سرکوبگری رژیم را با قهر انقلابی پاسخ دهند، رژیم کشتار و جنایت زیون و ناتوان گردیده و ناقوس مرگ این رژیم ضد مردمی، به صدا در خواهد آمد. اما اگر در صفوف متحد توده های زحمتکش در جهت سرنگونی رژیم خللی وارد آید، اگر بخشی از اهالی کشور، در مبارزه مرگ و زندگی ضد رژیمی شرکت نکنند، در چنین صورتی در پیکار خونین توده ها، وقفه ایجاد شده و مبارزات آزادیخواهانه که در مسیر پر مخاطره آن، در طول ۴۲ سال گذشته، ده ها هزار تن جان باخته اند، به شدت لطمه خواهد خورد. اگر کسانی در بین ملت های غیر فارس ایران هستند که هنوز به این واقعیت پی نبرده اند که رهائی از ستم ملی در این کشور، بلا تردید با امر سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی گره خورده است، باید از خواب غفلت بیدار شوند. تا زمانی که رژیم ارتجاعی جمهوری اسلامی به دست توده های محروم و زحمتکش ایران سرنگون نشده است، نه کارگران و خیل عظیم زحمتکشان از چنگ ظلم و استثمار رهائی خواهند یافت، نه زنان در بند از زندان اسارت آزاد خواهند شد، نه ستم و تبعیض در حق مذاهب

# نکاتی چند در مورد برنامه سازمان اتحاد فدائیان کمونیست



## نظر و انتقاد

حمید پویا

گیرشود تا نخستین شرط اساسی ذهنی تحول از سرمایه داری به سوسیالیسم انجام پذیرد. بدون تحقق این شرط به تنهایی هم حصول به سوسیالیسم و بالنتیجه به کمونیسم صورت نخواهد گرفت و یا این تحول رویهمرفته پیروزمندانه نخواهد بود.

درگفته نقل شده فوق الذکر بایستی به این نکات هم توجه شده و آنها البته بطور بسیار اشاره ای- هم ذکر میگردید. امروزه دیگر پس از اینهمه تجربیات مربوطه در جنبش های طبقه کارگر و در ارتباط با نظام سرمایه داری ذکر نظریه نقل شده در فوق بدون بیان چنین نکات درضمن آن ناقص و لذا بدین معنا درست نیست. درگفته نقل شده که اساس آن اولین بار توسط مارکس و انگلس و در ارتباط با توجه و انتقاد شان نسبت به نوع نظرات و فعالیت های "سوسیالیست های تخیلی" در دوران قبلی جنبش طبقه کارگریان شده است، تا آنجا که من میدانم، اینان در آن زمان تاریخی نتوانسته اند به سوی دیگر قضیه- لاقول بطور یکجا در آن جملات مربوطه گفته شده توسط مارکس و بنظر من لاقول نه بطور کافی در جاهای دیگر- یعنی به این جنبه های دیگر در مجموع اساسی مذکور از مبارزه طبقاتی پرولتاریا در راه حصول به سوسیالیسم و کمونیسم توجه نمایند یا این جنبه ها را بطوردرست و کافی درک کنند و مدنظر قرار دهند. ولی در زمانهای بعدی در این باره کمتر یا بیشتر

برجسته تر از همه در ابعاد فکری یا عقیدتی و سیاسی تظاهر میابد، محصول تکامل اخلاقی و فکری و تکامل مبارزه سیاسی طبقه کارگر است. و این دو تکامل مهمتر از همه مستقیماً وابسته و منوط هست از یکسو به تکامل ضروری تئوری پرولتاریا، تئوری کمونیستی-که چیزی در وهله نخست با موجودیتی ذهنی است- در زمینه چگونگی تکامل مبارزه طبقاتی و راه و شیوه آن و چگونگی مفاهیم سوسیالیسم و کمونیسم، که توسط پیشروان انقلابی و صحیح علمی اندیش این طبقه یعنی کمونیستها انجام می پذیرد، و از سوی دیگر به فعالیتهای کفایت کننده و صحیح این کمونیستها بصورت ترویج و تبلیغ در مفهوم کامل این کلمات برای توده های وسیع طبقه کارگر. درنتیجه این کارکردها کمونیسم همچنین امکاناً بصورت ایده ها و تمایلات و تخیلات و شور و شوق معین آرمانی کمونیستی در اذهان این توده ها و این کمونیست ها در جوامع بورژوائی انعکاس و تجلی و بدینگونه موجودیت ذهنی پیدامیکند و غیره.

بنابراین تئوری علمی مبارزه طبقاتی پرولتاریا باید برپایه بررسی و تحلیل علمی و انقلابی طبقاتی کارگری از جریانهای عینی تشکیل دهنده سرمایه داری و جنبش طبقه کارگر کشف و سپس در میان این طبقه وسیعاً و تا بالاترین سطح ممکن و لازم توده

مطالبی چند و نه همه مطالب لازم از این برنامه را بطوراختصار بشرح زیر مورد بررسی و نقد قرارداده ام: در قسمت " مبارزه طبقاتی و کمونیسم" گفته شده است:

**"سوسیالیسم و کمونیسم نه محصول تخیلات بشر دوستانه بوده و نه مفاهیم و مقولاتی مقدس هستند که در رویاهای مصلحین اجتماعی و در آرزوهای خام انسانهای ناتوان در برابر اتفاقات و حوادث تاریخی و طبیعی شکل گرفته باشند. کمونیسم محصول جامعه سرمایه داری مدرن و نتیجه جدال دو طبقه متضاد اجتماعیست: طبقه کارگر و طبقه سرمایه دار که دو طبقه اصلی جامعه سرمایه داری معاصر را تشکیل میدهند."**

درست است که " کمونیسم" بلحاظ پیش زمینه و علل تاریخی اش در ابعاد اقتصادی و اجتماعی " محصول جامعه سرمایه داری مدرن و نتیجه جدال دو طبقه متضاد اجتماعیست: طبقه کارگر و طبقه سرمایه دار....". اما این کمونیسم و طبعاً " سوسیالیسم"- بمثابة مرحله تاریخی مقدماتی معین گذار به آن- بلحاظ پیش زمینه و عوامل تاریخی اشان در بعد ایدئولوژیک که

## نکاتی چند در مورد برنامه سازمان اتحاد فدائیان کمونیست

صحیح کسان دیگری اظهار نظر نمودند مثلاً کائوتسکی و لنین و لوکاچ. ( باید متذکر شوم که من شخصاً کتاب مربوطه لوکاچ را تقریباً و نظر کائوتسکی در این باره را نخوانده‌ام و فقط این نظر دومی را بصورت نقل به معنا و به شکلی خیلی کوتاه در جایی دیده‌ام). و باید بگویم که نظریه خودم در اینباره - که فکرمیکنم که صحیح‌ترین و کاملترین نظریه در این زمینه است - را در جاهایی در نوشته‌هایم بیان داشته‌ام.

در قسمت "ماهیت نظام سرمایه داری و اجتناب پذیری انکشاف آن در جهت کمونیسم" گفته زیر از کتاب مانیفست کمونیست نقل گردیده است:

" تاریخ کلیه جوامع تا این زمان تاریخ مبارزه طبقاتی بوده است"، که مقصود از مبارزه طبقاتی تنها " مبارزه طبقات استثمارگر و استثمار شونده، میان طبقات فرمانفرما و طبقات زحمتکش ... " میباشد.

درحالیکه واقعیت آنست که مبارزات طبقات حاکم با یکدیگر نیز بخش اصلی دیگری از تاریخ آنهم سیاسی البته با تأثیرات عموماً منفی و مخرب آن بوده است؛ و میتوان گفت که مبارزات ایدئولوژیک درون طبقاتی مربوط به کلیه طبقات بخش مهم دیگری را از تاریخ جوامع طبقاتی تشکیل میداده است. و بعلاوه پیشرفت‌های اقتصادی بمثابه تحولات نیروهای مولده که مستقیماً نتیجه ابداعات و اختراعات بزرگ و کوچک و خرد عموماً افراد خاص مبتکران و مخترعین و دانشمندان بوده زیربنا و زیر ساخت روندهای تکامل

تاریخ در اینگونه جوامع را ایجاد نمیکرد است و غیره. بنظر من قطعاً لازم بوده که امروزه به چنین نکاتی یعنی واقعیت‌های تاریخی بزرگی هم در این جا از برنامه اشاره شود. البته در سطوری پایین تر به دوران جامعه طبقاتی سرمایه داری بمثابه دوران عظیم تحولات در تکنولوژی و علوم اشاره شده است ولی این اشاره تنها به این جنبه و تنها محدود به این دوران و بدون مشخص کردن افراد ایجاد کننده این تحولات اصلاً کافی نیست.

گفته شده است :

" طبقه کارگر از دید سوسیالیسم علمی آن بخش از افراد جامعه است که صاحب ابزار تولید نیستند و در پروسه تولید اجتماعی مورد استثمار واقع می شوند". "آنچه که موقعیت طبقه کارگر را نسبت به سایر طبقات زحمتکش متمایز می کند نقشی است که این طبقه در بوجود آوردن ارزش اضافه و انباشت سرمایه اجتماعی عهده دار است."

در جامعه بورژوازی "طبقه" زحمتکش متمایز تشکیل شونده از افراد حقوق بگیر شاغل در رده‌های پایینی کارهای فکری و مدیریت و هدایت امور گوناگون اقتصادی نیز امکاناً یا قطعاً استثمار میشود، اضافه ارزش تولید میکند ولی اینگونه افراد بدین خاطر تنها در نیمی از وجود اجتماعی اشان "کارگر" و نیم دیگر وجود اجتماعی اشان مبتنی است بر اینکه به شکلی عامل خرد سرمایه در انقیاد و استثمار کارگر در روند کار بوده و نسبت به او در این روند بالنسبه نقش رهبر و برتری دارند و بطور

میانگین از حقوق بیشتری برخوردارند و لذا در مجموع یا کلیت وجود اجتماعی خود گروهی "نیمه کارگر" یا قشری بین کارگر و کارفرما یا سرمایه دار محسوب میشوند. کارگر کسی است که همچنین در شغل عمومی اش در حیطة‌های اقتصادی در هیچ سطح و به هیچ شکلی عهده دار کار فکری و هدایت و مدیریت نباشد بلکه کار "جسمی" انجام دهد. بنظر من، امروزه با تکامل بیشتر سرمایه داری و روشن تر و دقیق تر شدن تمایزات اجتماعی بین طبقات و افشار مختلف، "کارگر" چنین تعریف میشود که بیان کردم. بعلاوه اگر مقصود از کارگران غیر مولد- در برابر "کارگران مولد" که در برنامه به آن اشاره شده- کارگران بخش‌های تجاری و فروش و نیز ذخیره سازی کالا هستند که، بنظر من، این ها هم کارگر مولدهستند یعنی کارهای مختلف تولیدی یا مولد جسمی از جمله شامل خود کار مستقیماً فروش انجام میدهند و نیز اضافه ارزش برای سرمایه دار تاجر یا صاحب انبار تولید مینمایند زیرا حوزه تجارت و انبارداری در این ارتباط بعنوان ادامه مستقیم همان قلمروی تولید یا درعین حال شامل شکلی از خود پروسه تولید بحساب میاید.

بعلاوه نامناسب نیست متذکر شوم که طبقه سرمایه دار به افراد خصوصی یا دولت "صاحب ابزار تولید" محدود نمیشود بلکه مالکان دولتی و صاحبان خصوصی بیشتر یا کمتر بزرگ بخش‌های دیگر وسایل تولید مانند مواد محمول کار و میتوان گفت بخش‌های معینی از وسایل معیشت مانند خانه‌های مسکونی را نیز دربرمیگیرد) در مورد این مثال ممکن است بتوان آن را نوعی تولید و عرضه خدمات محسوب نمود).

## نکاتی چند در مورد برنامه سازمان اتحاد فدائیان کمونیست

در اشاره به مشخصات جامعه کمونیستی هیچگونه اشاره ای به مشخصه های این جامعه از لحاظ امر پایان یافتگی ستمگری بر حیوانات و تخریب محیط زیست نشده است، که این یک نقص بسیار اساسی و بزرگ برنامه محسوب میشود. در قسمت بعدی از برنامه اینگونه اظهار نظر شده است:

"شرط لازم برای تحقق انقلاب اجتماعی طبقه کارگر، ساختمان سوسیالیسم و گذار به جامعه کمونیستی، دیکتاتوری انقلابی طبقه کارگر است که قادر است مقاومت استثمارگران را در هم شکند." اولاً سوسیالیسم برپا یا برقرار میشود نه اینکه ساختمان شود. این مقوله متداول با سابقه دیرینه "ساختمان سوسیالیسم"، با مفهوم و مقصودی که بطور متداول بکاربرده میشود، مقوله ای بخودی خود و درخود نادرست است زیرا سوسیالیسم درعین حال فرایند گذار از سرمایه داری به کمونیسم است، فرایندی مشتمل بر تغییر و تحولات اقتصادی و اجتماعی و معنوی یا به بیان دیگر امحاء و نابودی آثار و بقایای گوناگون اقتصادی و اجتماعی و معنوی طبقاتی و کاپیتالیستی و نانسانی موجود در جامعه سوسیالیستی بطور نسبتاً مداوم و پیوسته بسوی یا در راستای حصول به کمونیسم، یا میتوان گفت فرایند نسبتاً تدریجی ولی با ماهیت انقلابی ساختمان کمونیسم هست. سوسیالیسم با انجام انقلاب اجتماعی سوسیالیستی در ابعاد سیاسی و اقتصادی و اجتماعی و فرهنگی علی الاصول بطور نسبتاً فوری برقرار میگردد (در عمل بدین معنا که

بورژوازی بطورکلی- که فوقاً قسمتی از آن بیان شد- نیز میتوان به مبحث مربوطه ("طبقات و دولت تحت سوسیالیسم") از این کتاب رجوع نمود. دوماً جمله "شرط لازم برای تحقق انقلاب اجتماعی طبقه کارگر.... دیکتاتوری انقلابی طبقه کارگر" است بقدر کافی روشن و دقیق و رسا نیست یا به بیان دیگر تا اندازه زیادی مبهم است. انجام این انقلاب یعنی انقلاب اجتماعی سوسیالیستی تا آنجا که به تحول مشتمل بر برقراری سیادت سیاسی پرولتاریا مربوط میشود، که عمدتاً یا بیشتر از همه در این زمینه است که اعمال قهر از سوی پرولتاریا امکاناً یا قطعاً ایجاب و لازم میشود، در آینده ها ممکن است یعنی نمیتوان غیرممکن دانست که در مواردی بطریقی تا حدی زیاد یا تقریباً بطورکامل بطور مسالمت آمیز انجام پذیرد؛ و مهمتر اینکه "دیکتاتوری انقلابی" لاقلاً امروزه بر حاکمیت معین موجود یک طبقه حاکم یعنی در اینجا پرولتاریا دلالت دارد نه بر اعمال و اقدامات انقلابی یعنی بالنسبه سریع سرنگون و متلاشی کننده کلیت حکومت و نظام اقتصادی و روستا ساخت فرهنگی یک طبقه حاکم یعنی در اینجا بورژوازی و جایگزین ساختن آنها توسط حکومت و نظام و روستا ساخت مطلوب طبقه دیگر در اینجا یعنی پرولتاریا، که ترجیحاً همان "انقلاب" یا "انقلاب اجتماعی" تلقی و نامیده میشود. (درضمن نامناسب نیست در اینجا بگویم که همه اعمال و اقدامات مذکور در همه حیطه ها در جریان معین انقلاب اجتماعی سوسیالیستی و ادامه بعدی آنها بصورت تغییر و تحولات بالنسبه پیوسته عموماً تدریجی بسوی کمونیسم در کل دوران تاریخی سوسیالیسم درعین حال - یعنی در عین داشتن ذات خاص

## نکاتی چند در مورد برنامه سازمان اتحاد فدائیان کمونیست

## سرنگونی رژیم. در گرو همبستگی واتحاد عمل!

### ادامه از صفحه ۱۰

و شرط اساسی برای رفع ستم ملی در ایران می باشد. اگر در فردای سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی، حکومت سرکوبگر دیگری در ایران بر سر کار بیاید، استثمار کارگران و توده های زحمتکش و ستم های گوناگون و از آنجمله ستم ملی همچنان باقی خواهد ماند. تنها با استغفار حکومتی انقلابی متکی به اراده توده های زحمتکش می توان در جهت حل ریشه ای مساله ملی در ایران گام های متین برداشت. در صورت وجود آزادی های دموکراتیک در کشور، ملت های ایران خواهند توانست در جهت تعیین سرنوشت خود، اقدام جدی به عمل آورند. ملت هائی که خواهان ماندن در چهار چوب یک کشور چند ملیتی نیستند خواهند توانست با مراجعه به آرا عمومی ملت مربوطه و جلب توافق اکثریت اهالی، از ایران جدا شوند. ملت هائی هم که متمایل به زندگی در یک کشور واحد چند ملیتی هستند، قادر خواهند بود به این خواست دموکراتیک خود، جامه عمل به پوشانند. در چنین حالتی، همه خلق های ساکن در ایران، در زمینه مسائل ملی حقوق کاملاً مساوی خواهند داشت و ستم ملی به کلی از جامعه رخت بر خواهد بست. در این کشور چند ملیتی، زبان یا زبان های مشترک ارتباطی که لازمه زندگی در یک سرزمین چند ملیتی می باشد، با مراجعه به آرای همه ساکنین کشور، تعیین خواهد شد.

آبان ماه ۱۳۹۹

معین با خصلت درعین حال سیاسی از نظام بورژوازی به سوسیالیستی و دومی با موجودیت روساخت سیاسی حاکم در این نظام نوین است- و محتوای مشخص آن- که در رابطه با این نظام اخیر اساساً همان حکومت واقعاً و کاملاً دموکراتیک شورایی در این جامعه و درمورد آن مرحله گذار همان خود محتویات تحولی و گذار شونده اقتصادی و اجتماعی و معنوی معین سریع سوسیالیستی هست - را بطور کافی و درست تشخیص دهد؛ همانگونه که بیان شد سرنگونی انقلابی امکاناً قهرآمیز حکومت بورژوازی در جامعه سرمایه داری توسط پرولتاریا و تشکیل حکومت مزبور پرولتاریا و انجام سایر اقدامات امکاناً نسبتاً قهرآمیز اولیه اقتصادی و فرهنگی دگرگون کننده سوسیالیستی برای گذار به و یا برپایی سوسیالیسم توسط پرولتاریا و امکاناً همراه با متحدان اجتماعی و سیاسی اش، که در مجموع خود انقلاب اجتماعی سوسیالیستی را تشکیل میدهد، ترجیحاً همان "انقلاب" محسوب و نامیده میشود. بهر حال از این ترجیح هم صرف نظر کنیم، نکته در اینجا است که مارکس اعمال دیکتاتوری انقلابی پرولتاریا را تنها در شکل صریح آن و محدود به این دوره گذار، تنها متناظر با این دوره گذار میداند، که این لاقول درک و برداشتی ناقص از این مقوله است، ولی بنظر من این نقص بخاطر محدودیت تاریخی مارکس یک تقصیر یا خطا از جانب وی بحساب نمیاید.

حمید پویا، یکم نوامبر ۲۰۲۰

سیاسی یا اقتصادی یا اجتماعی یا معنوی خویش- خصلت معین سیاسی، سیاسی انقلابی یعنی بطور مستقیم یا غیرمستقیم و یا در وجه نهایی خصلت طبقاتی پرولتاریایی داشته و در این اشکال معین از خصلت و ذات خود ماهیت انسانیت گرایانه دارند یا به بیان دیگر بمعنای واقعی مثبت و انسانی هستند). اما در جامعه سوسیالیستی- یعنی جامعه بوجود آمده پس از اعمال و اقدامات مذکور- حاکمیت دیکتاتوری انقلابی پرولتاریا به بیان دیگر حکومت واقعاً و کاملاً دموکراتیک شورایی البته بنحوی تدریجاً کاهش یابنده در جهت حصول به کمونیسم بدون هیچگونه حکومت موجودیت دارد، چیزی که بلحاظ مفهوم و مضمون در عین حال همان اعمال خواست و اراده انقلابی و انسانیت گرای پرولتاریایی حاکم در برابر یا بر علیه بورژوازی در مقیاس کشوری و جهانی میباشد؛ البته در جامعه سوسیالیستی در مواردی ممکن است جهت حفظ این حکومت پرولتاریا و کلیت سوسیالیسم و طبعاً کمونیسم حاصل شده لازم گردد که بصورت قهرآمیز حتی مسلحانه با نیروهای بورژوازی مقابله گردد، که این امر بر اعمال مستقیم و صریح دیکتاتوری انقلابی پرولتاریا دلالت مینماید. باید متذکرشوم که، بنظر من، مارکس در این رابطه ضرورت "دیکتاتوری انقلابی پرولتاریا" را احساس یا درک میکند اما در آن زمان تاریخی نمیتواند جای مشخص این "دیکتاتوری" در فرایندهای تشکیل دهنده انقلاب سوسیالیستی و سوسیالیسم- یعنی در هر دو مرحله گذار از سرمایه داری به سوسیالیسم و خود سوسیالیسم، اولی شامل دگرگونی های

## از آبان تا آبان

ادامه از صفحه ۳

دیگر نیز ممکن است با سرکوب مواجه شوند و همچون خیزشهای پیش از این به ناکامی بیانجامند.

تجربیات تاکنونی نشان میدهد که فقط با اعتصابات پراکنده و اعتراضات خیابانی هرچند با خصوصیت و محتوای انقلابی و گسترده، اما نمیتوان رژیم ددمنش حاکم را سرنگون کرده و سرنوشت خویش را در دست گرفت. باید تدابیری اندیشید و سیاست ها و روشهای انقلابی را بکار بست که شرایط را برای اتحاد نیروهای کارگران و زحمتکشان و آزادیخواهان جامعه آسان نماید و نیز موقعیت و توانائی را برای فلج کردن دستگاه های اقتصادی و نظامی رژیم فراهم سازد.

آبان ۹۸ گفتمان سیاسی و مبارزات اجتماعی را وارد فاز نوینی کرده است، ادامه سیاست تشدید ستم و سرکوب، تشدید تحریمهای اقتصادی آمریکا، گسترش شکاف طبقاتی، فساد اداری و افول اقتدار سیاسی کلیت نظام جمهوری اسلامی، کم رنگ شدن خطر جنگ و ازسکه افتادن "خطر سوریه ای شدن" ایران، کنترل ناپذیر بودن شیوع ویروس کرونا بدلیل عدم توجه به سلامت مردم از سوی رژیم، آغاز نارضایتی و ریزش در نیروهای پایه نظام که خامنه ای را مجبور به تبری جستن از مستضعف پناهی "اسلام عزیز" نمود،

همه اینها توده های مردم از اقشار مختلف جامعه و بخشی از طیف های میانی در حال خورد شدن زیر سیاست های اقتصادی و سرکوبگریهای رژیم را بجای دلبستن به کرامات جناح های متنازع رژیم و یا توسل به قدرت های خارجی به سمت راهجویی از طریق اعتصابات و اعتراضات خیابانی سوق داده است. طبقه کارگر و بخش های هرچه بیشتری از توده های کار و زحمت و اقشار محروم جامعه در مقابل اقلیتی استثمارگر و ستمگر که با تکیه بر سرنیزه و سرکوب حکومت میکند، در تک و تایی مبارزه باین نتیجه میرسند که بدون تغییرات بنیادی در ساختار اقتصادی و اجتماعی و سیاسی کنونی راه حلی برای معضلات گسترده اقتصادی اجتماعی و سیاسی وجود ندارد. بنابراین تردیدی نیست که اعتصابات و اعتراضات ادامه خواهد داشت و چه بسا جرقه ای بار دیگر آتش خشم و نفرت توده های مردم را شعله ور سازد و خیزشهای بمراتب وسیعتری را بوجود آورد.

اما معضل کنونی همانطور که گفتیم نه کمبود اعتراضات و اعتصابات و یا محتمل بودن خیزش های توده ای، بلکه در شرایط کنونی سازمان نیافتگی این اعتراضات و نبود بدیلی است که توده های معترض را در مقابل رژیم استبدادی و سرکوبگر حاکم سازمان داده و مبارزات آنها را هدایت کند.

یدی شیشوانی - آبان ۹۹

## ستون کلمت



### طنز تلخ طنناز ممدقلی

زاده

### آقای چوخ بختیار و آلت

### تناسلی گفتار ماده

از بیکاری طولانی مدت و ترس گرفتار شدن خانواده در چنگال کرونا، فکرتامین معیشت خانواده و کار و تحصیل بچه ها، سر رسید بدهکاریها و... خسته و کوفته بودم و هرچه فکر میکردم فکرم بجائی نمیرسید، مغزم کراش کرد بود.

خطر کرونا را بجان خریدم و زدم بیرون. مثل سمه ها پائین و بالا را نگاه میکردم. مردم مثل طاعون زده ها از این کوچه به آن کوچه و از این سوراخ به آن سوراخ میخزیدند. هی میخواستن از هم فاصله بگیرند اما مگر میشد. در این فکر بودم که به چه روزی افتادیم؟! این همه ویروس دوپا کم بود که کرونا هم از راه رسید؟ اما تصمیم گرفتم لحظه ای هم شده فکرهای آزار دهنده را از خودم دور کنم و بلکه یک مقدار آرامش پیدا کنم. محو تماشای مردمی بودم که درهم میلولیدند، مثل خود من. کرونا که هیچ از آسمان آتش هم بیارد ناچارند برای تهیه قوت لایموت بیان بیرون و به هردری بزنند.

ناگهان چشمم به جمشید از هم کلاسیها و دوستان سابقم افتاد. مدتها ندیده بودم اش با پاکتی زیر بغل. سلام علیکی کردیم.

سیاست‌های ابلاغی رهبر جمهوری اسلامی ایران عنوان کرد.

علیرضا زالی که فرماندهی ستاد مقابله با کرونا در کلانشهر تهران را هم بر عهده دارد، روز یکشنبه، ۱۸ آبان « پدیده قطعه قطعه شدن در طب نوین را آفتی دانست که طب سنتی ایرانی گرفتار آن نیست » و افزود: « در طب سنتی ایران به بیمار به‌عنوان «موجودی با کرامت» و «صاحب اشرفیت دردمند»

اینها را که خواندم یادم افتاد که وقتی در مملکت گل و بلبل ما شاهنشاه آریامهر بزرگ ارتشتاران ایران را دست علی از مرگ حتمی نجات اش میدهد و امام رضا با دست خودش تاج بر سر وی مینهدم . و رهبر بزرگ مسلمانان جهان جناب خامنه ای، یا علی گویان از شکم مادر اش زاده میشود

در این وانفسا عده زیادی (متأسفانه بسیاری با مدرک کارشناسی درجیب) هم پیدا میشوند که برای حل مشکلاتشان بحای مبارزه و حق خواهی به رمل و اسطرلاب، دندان گراز و ناموس گفتار و نوشیدن شاش شتر و خوردن عنبرنسارا (پشگل الاغ ماده) پناه بیاورند!!؟

اما از شما چه پنهان مانده ام که بالاخره این آقای چوخ بختیار با آن ناموس گفتار ماده چه خواهد کرد!؟

طناز ممدقلی زاده

آبان ۹۹

Kar@fedayi.org



گفتم آلت تناسلی گفتار ماده!!

گفت به ولای علی قسم راست میگم کله ام سوت کشید. گفتم آقای جمشید حضرتعالی تحصیلکرده این مملکتی این چه طرزحرف زدنه!؟

گفت بجانت قسم راست میگم برام پنج میلیون آب خورده

گفتم حالا میخوای با این آلت تناسلی گفتارماده چی بکنی مرد حسابی خجالت نمیکشی!؟

گفت بجانت قسم از من با سوادترها صف بسته اند میگن درعرض دو روز به اختلافات خانوادگی پایان میدهد، عشق واقعی جوانه میزنه و شانس بهت روی میاره!

گفتم مگر دیوانه شده ای این مزخرفات چیه؟

پرید وسط حرفم: آقا طب سنتی غوغا میکنه باورکن طب نوین در مقابل اش لنگ انداخته، طب سنتی داره کرونا را هم شکست میدهد. میدونی تحصیلات ما یک بعدی بوده به بعد سنتی توجه نکرده ایم مشکل ما همینه ..

آدرسی را از جیب اش درآورد "فروش طلسم جادو..." بیا برو خودت بخوان

چشم سیاهی میرفت، زده بودم بیرون که تمدد اعصابی بکنم که آقای چوخ بختیار آن اندک امیدم را هم برباد داد. به حال خودش رهایش کردم آدم خانه پکرتراز قبل آدرس را پیدا کردم چه غوغائی بود

ادمین صفحه «فروش طلسم و جادو» توضیح میدهد: «مشتریان بیشتر دنبال آلت تناسلی گفتار ماده هستند! باعث آرامش، بهبود روابط زناشویی و حل اختلافات خانوادگی می‌شود. آلت تناسلی گفتار ماده پنج میلیون تومان، طلسمش را هم می‌نویسم، صد در صد تضمینی. مهره مار افعی هم فقط ۳۹۷ هزار تومان.»

گشتم و رسیدم به نظر رئیس محترم دانشگاه، نوشته بود

رئیس دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی در مراسم راه اندازی « مرکز خدمات طب سنتی ایران ویژه بیماران کرونایی »، احداث این مرکز را گامی در جهت تحقق

آنموقع که دردانشگاه همکلاسی بودیم از بس که ادا و اطوار آدمهای اطو کشیده و روشنفکر و چیز فهم را درمیآورد و از خودش تعریف و تمجید میکرد که اسمش را گذاشته بودند "چوخ بختیار" اما آنروز حال روز پریشانی داشت. سر صحبت که باز شد همچون غریبه ای بی پناه که به آشنائی رسیده باشد سفره دل اش باز شد.

گفت: ای بابا این وضعیت کرونائی چه قوز بالای قوزی شده است، دماز روزگارمان درآورده از وقتیکه خانه نشین شدیم آب خوش از گلویم پائین نرفته و.. از مشکلات معیشتی گرفته تا اختلافات خانوادگی یک ریز حرف زد.

چیز جدیدی نداشت، از همان مشکلات و گرفتاریهائی میگفت که امروز همه مثل من و امثال من داریم. گفتم که برادر زندگی ما مثل هم است و مشکلاتمان هم شبیه هم اگر راه حل پیدا کردی مرا هم خبرکن...

گفت: والله کدام راه حل! به هردری زدم هرکس یک نسخه ای میپیچد درحالیکه خودش درحل مشکلات اش درمانده است. اشاره کرد به پاکت زیر بغل اش، انگاری نقطه امیدی یافته باشد گفت: غفوری که یاده ته؟ استاد علوم ...

گفتم آره چطور کار و باری برایت پیدا کرده است؟ گفت نه بابا کلاس درس که نمیره کلاه علی را برمیدارد میزارد سر ولی و از سر ولی ور میدارد و دوباره میزارد سر علی تا این وسط یک چیزی هم برای خودش بماند... همه چیز رو برایش تعریف کردم آدرسی داد چیزی بخرم که خودش امتحان کرده بود و صد در صد راضی بود.

گفتم خوب خیر باشد آن حلال مشکلات چی هست؟ زود پرید وسط حرفم و اشاره به پاکت زیر بغل اش کرد و گفت: اگر خواستی توهم امتحان بکن. گفتم خوب پرسیدم که در این پاکت مشکل گشا چی هست؟

گفت والله چی بگم یخورده بی ادبیه! بعد از یک خورده من من کردن بالاخره بزبان آمد.

این پاکتو میبینی توش آلت تناسلی گفتار ماده است!





## گراهی باد یکصد و سومین سالگرد انقلاب کبیر سوسیالیستی اکتبر

منحط سرمایه داری برافراشته خواهد کرد.

اکنون در نیمه اول قرن بیست و یکم ماهیت ضد انسانی نظام سرمایه داری و بحرانهای لاینحل آن با تمام تبعات ویرانگرش نظیر فقر و نابرابری، جنگ و کشتار و نابودی محیط زیست، بیش از پیش آشکار شده است و اینک برغم تبلیغات دروغین و مسموم و همه جانبه بورژوازی برعلیه سوسیالیسم و انقلاب اکتبر، اما اندیشه های انقلاب اکتبر، حقانیت سوسیالیسم و لزوم انقلاب اجتماعی هر روز اهمیت بیشتری مییابد.

در یکصد و سومین سالروز انقلاب شکوهمند اکتبر، با وفاداری به آموزه های انقلاب سوسیالیستی اکتبر و آموزش از تجربیات جنبش کمونیستی و کارگری درسراسرجهان و نیز با درس گیری از فراز و فرودهای تاریخ جنبش کمونیستی کشورمان، اراده خود را در مبارزه برای سوسیالیسم که تنها راه خلاصی از بربریت سرمایه است، استوارتر و قویتر سازیم.

برافراشته باد پرچم مارکسیسم-لنینیسم و اندیشه های انقلاب اکتبر

زنده باد سوسیالیسم

سازمان اتحاد فدائیان کمونیست

۹۹ آبان

سیاسی و اقتصادی امپریالیسم یکی از دست آوردهای تاریخی لنین رهبر انقلاب اکتبر بود که اندیشه های مارکس و انگلس را در تحلیل شرایط مشخص تاریخی سرمایه داری اوائل سده بیستم بکار گرفت و به گنجینه های عظیم نظری جنبش پرلتاریای جهان افزود.

بکارگیری خلاق تئوریهای مارکسیستی در شرایط مشخص تحولات تاریخی روسیه توسط لنین، به تکامل مارکسیسم و استحکام اصول آن بین پرلتاریای سرتاسرجهان یاری رساند. انقلاب اکتبر براساس اندیشه های دورانساز مارکس انگلس و لنین به پیروزی رسید و دستاوردهای بی نظیر و تحولات شگرفی را در جهان موجب شد که برغم شکست موقتی آن اما درسها و تجربیات گرانبهائی از خود برجای گذاشت که روشنی بخش راه جنبش کمونیستی در مبارزه برای برانداختن نظام سرمایه داری است.

انقلاب اکتبر نشان داد که جهانی دیگر، جهانی آری از ستم استثمار و جنگ و تباهی ممکن است. انقلاب اکتبر بواسطه سلسله ای از عوامل عینی و ذهنی در نیمه راه متوقف شد. اما جنبش کمونیستی از هر شکستی درسها آموخته و ققنوس وار از خاکستر خود بر میخیزد و بار دیگر پرچم ظفرنمون انقلاب اکتبر را بر ویرانه های نظام

در ۷ نوامبر سال ۱۹۱۷ (و به تقویم ژولینی ۲۵ اکتبر ۱۹۱۷) انقلاب پرولتاریائی در روسیه به پیروزی رسید. و در تاریخ بشر برای اولین بار طبقه کارگر و زحمتکشان سیادت سیاسی، نظامی و اقتصادی استثمارگران و ستمگران را برانداختند و امید به آزادی و سوسیالیسم را در میان کارگران و زحمتکشان سراسرجهان شعله ور ساختند. انقلاب کبیرسوسیالیستی اکتبر نشان داد که نظامهای استثمارگران و ستمگران ابدی نیستند. انقلاب اکتبر همچنین صحت این تئوری مارکسیستی را بااثبات رساند که تغییرات عمیق اجتماعی در جامعه بشری برای رسیدن به آزادی و دنیائی آری از ستم و استثمار نه محصول تصادف در روند تاریخ، بلکه محصول زنجیره ای از قانونمندیهای تکامل اجتماعی است که تنها کافی نیست آنها را شناخت و تعبیر و تفسیر کرد، بلکه باید دست اندرکار تغییر آن بود.

لنین رهبر انقلاب بزرگ پرلتاریای روسیه و انقلاب اکتبر و ادامه دهنده راه مارکس و انگلس، با تجزیه و تحلیل و شناخت علمی قانونمندیهای تکامل اقتصادی و اجتماعی عصر خود و اعلام گذارسرمایه داری به دوران امپریالیستی، رشد ناموزون سرمایه داری در این دوران را تئوریزه و امکان وقوع انقلاب در حلقهات ضعیف سرمایه داری را به اثبات رساند. کشف ماهیت



## "هشدار ای غریق غیرقانونی"

چیزی در نگاهت  
شاید،  
اما،  
نه

بی گمان

وبترین نشین های جهان پیر را  
غرق شرم بر پیشانی می آورد  
و پریان دریایی را  
رونق بازار می شکست  
ویا\* شاید کافری های زلف کافرتو\*

رخنه در ایمان نرخدایان می کرد  
نه آبت پذیرفت  
نه خاک

....

خانه ای،

دستانی که گیسوانت را ببافند،

یک باغچه

و درگاهی که هر نیمروز

روبه روی هیاهوی از مدرسه به خانه بازگشتنت باز می شود،

چه رویاهای ممنوعی!!!

...

غریق غیر قانونی جهان

در سفر جدیدت

هشدار

اثر انگشتانت را

پلیسهای آسمان نشین

برندارند!

احسان حقیقی نژاد

پ.ن: کافری های زلف کافر تو

گشته ز ایمان جمله ایمان تر

مولوی

خواندم که یک خانواده پنج نفره ی سردشتی به امید رسیدن به ساحل امن در کانال مانس غرق شدند! تاریخ سرودن این شعر به تابستان هفت سال پیش برمی گردد، و تحت تأثیر دیدن تن بی جان دختر بچه ای غریق که ماموران امداد استرالیایی او را از آب گرفته بودند. دردا که تا امروز همچنان در بر همان پاشنه می گردد و روزی نیست که جنازه ای از ما را از آب نگیرند، گویا سهم ما از دریا های جهان غرق شدن در آن هاست.

احسان حقیقی نژاد

نشریه سیاسی و تحلیلی  
کار کمونیستی علاوه بر انعکاس  
مواضع، نظرات و تحلیل های  
سازمان، انعکاس دهنده مسائل  
سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و  
فرهنگی و تاریخی از منظر  
دیدگاه های مختلف نیز هست.  
تحریریه نشریه از میان مطالب  
رسیده انتشار مطالبی را انتخاب  
و در الویت قرار خواهد داد که  
مستقیماً برای این نشریه ارسال  
شده باشند لذا انتظار داریم  
انعکاس این مطالب در سایر  
نشریات و سایت ها با ذکر منبع و  
نام نویسنده صورت گیرد. از  
طریق ایمیل آدرس زیر  
نظرات، پیشنهادات و انتقادات  
خود را با در میان بگذارید.

[kar@fedayi.org](mailto:kar@fedayi.org)

کار کمونیستی آخر هر ماه زیر نظر  
هیئت سیاسی سازمان اتحاد فداییان  
کمونیست منتشر می شود.  
برای تماس با سازمان اتحاد فداییان  
کمونیست و یا ارگانهای آن با یکی  
از آدرسهای زیر تماس بگیرید :

روابط عمومی

[webmaster@fedayi.org](mailto:webmaster@fedayi.org)

کمیته کردستان

[Kurdistan@fedayi.org](mailto:Kurdistan@fedayi.org)

کمیته آذربایجان

[azar@fedayi.org](mailto:azar@fedayi.org)

کمیته تهران

[Tehran@fedayi.org](mailto:Tehran@fedayi.org)

کمیته کرچ

[karj@fedayi.org](mailto:karj@fedayi.org)

کار . مسکن . آزادی . جمهوری فدراتیو شورانی !